

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۹۸

ایسکرا

Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۰۷۷۶۵۴ تلفن تماس با ما

۱ مهر ۱۳۹۴، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۵

سردبیر عبدال گلپریان

در گیریهای نظامی ارتش ترکیه علیه پ.ک.ک

یک سؤال از محمد آسگران



تدارک انتخابات زود هنگام در نهم نوامبر قرار گرفته. حزب دمکراتیک خلقها (د. د. پ.) در ۱۰ سپتامبر اطلاعیه ای منتشر کرد. در این اطلاعیه، حزب دموکراتیک خلق ها موکدا خواستار اقدام بین المللی در مقابل صفحه ۲

درگیری های نظامی زمینی و حملات هوایی ارتش ترکیه علیه نیروهای پ.ک.ک. در چند هفته گذشته در ترکیه با شدت بالایی ادامه دارد. در تعدادی از شهرها حمله به تظاهرات و تجمع مردم تاکنون جان چندین نفر از مردم را گرفته است. دولت موقت کنونی در

کودک آزاری جمهوری اسلامی و بازگشایی مدارس

همبازی، درس، کلاس، آزمون، شوق بازی، احساس فشار سیستم و ساختار استبداد مذهبی حاکم و کودک آزاری نهادینه نظام جمهوری اسلامی.

جمهوری اسلامی کودک آزار است؛ - محرومیت میلیونی کودکان از مدارس. - وجود میلیونی کودکان کار و خیابانی. - نابرابری جنسیتی و آپارتاید جنسی، یکی از شاخصهای برجسته و نهادینه کودک آزاری. - فقر مالی، کودکان خانواده هایی که در زیر خط فقر زندگی میکنند، در طول تحصیل تهدید به ترک مدرسه میشوند و از این بابت تحت فشار بیشترین آزار روحی قرار میگیرند. - کمبود تغذیه مناسب. -

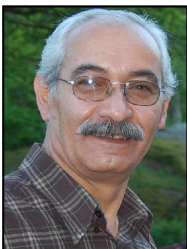
صفحه ۲



نسان نودینیان

با بازگشایی مدارس، کودکان دو احساس راهی کلاس درس میشوند. احساس غرور، وارد شدن به مدرسه، شوق و اشتیاق یادگیری، پیدا کردن هم کلاسی، همبازی های جدید، آشنایی با محیط بزرگتر از خانه و برای دانش آموزان سطوح بالاتر، دیدار مجدد معلم و

بازخوانی تاریخ جدایی کمونیست کارگری از حزب کمونیست ایران در پاسخ به تحریف تاریخ از سوی ابراهیم عزیزاده (قسمت اول)



عبدل گلپریان

هشت سال فعالیت درخشان حزب کمونیست و کومه له و سوم، غیر واقعی بیان کردن دلایل جدا شدن حککا از حکا پرداخته است. بعنوان کسیکه ده سال از با ارزشترین دوران زندگی سیاسی خود را همراه با صدها شخصیت مبارز، انقلابی و کمونیست در راه صفحه ۴

مقدمه
بعنوان مقدمه کوتاهی بر این مجموعه اشاره کنم که ضرورت پرداختن به این موضوع از آنجا مایه میگیرد که هر بار و بمناسبتهای مختلفی ابراهیم عزیزاده درسخناش، یکم، به جعل و تحریف تاریخ تشکیل حزب کمونیست ایران، دوم، به خط زدن

بمناسبت شروع سال تحصیلی جدید

ندارند، خانواده هایی که به سختی و با کمترین امکانات کودکانشان را به مدرسه میفرستند و نگران ایمنی و کیفیت آموزش پایین و تدریس خرافه به کودکان هستند.

سال تحصیلی جدید، اما سال نگرانی شدید مقامات حکومت نیز هست. میدانند این نیروی عظیم متنفذ از این حکومت و این نظام،

صفحه ۲

با بازگشایی سال تحصیلی جدید در اول مهر، از یک طرف موجی از شور و انرژی و امید، میلیونها خانواده و میلیونها دانش آموز و دانشجو و معلم را به حرکت و تکاپو در میآورد و از طرف دیگر با شروع سال تحصیلی موجی از نگرانی و خشم و اعتراض، میلیونها خانواده را در بر میگیرد، خانواده هایی که توان فرستادن فرزندان خود به مدرسه را

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



یلدی محمودی

است که: " در این جلسه مشترک قرار شد تبلیغات علیه هم متوقف شود و همه به دفاع از جلسات مشترک ۵ حزب حاکم بپردازند تا جلسات مشترک بتوانند بطرف مثبت بروند و امید بخش باشند برای رسیدن به توافق". لازم به ذکر است که بعد از اتمام پایان دو دوره و نیمه مسعود صفحه ۶

توافق جدید احزاب مذهبی ناسیونالیستی حاکم بر اقلیم کردستان!
روز دوشنبه ۲۱ سپتامبر احزاب پارلمانی حاکم طی نشست تصمیم می گیرند که فعلا تبلیغات علیه همدیگر را متوقف کنند. در بیانیه ای که به امضای اتحادیه میهنی، جنبش گوران، حزب دمکرات، اتحادیه اسلامی و کومه ل اسلامی رسیده آمده است آمده

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

بیمار ختم می شود. این بیمار در یک روز ۲ بار به بیمارستان ذکرشده مراجعه می کند که بار دوم به دلیل تعلل در بستری کردن بیمار، ایست قلبی به مرگ منجر می شود.

صفحه ۳

مرگ بیمار قلبی در اثر عدم امکانات پزشکی در سقز
پزشک اورژانس بیمارستان "خمینی" شهر سقز از بستری نمودن یک بیمار قلبی ۳۴ سال سن در بخش آی سی یو امتناع و این امر به مرگ

دولت اردوغان و حزب اسلامیش باید افشا و منزوی شوند

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ در گریه‌های نظامی ارتش ...

"سیاست خشونت" دولت ترکیه علیه کردها شده است. در اطلاعیه از جمله آمده است: "ما از کلیه نهادها و نیروهای دموکراتیک بین المللی خواستار اقدام سریع در برابر اعمال خشونت آمیز و ضد دموکراتیک دولت ترکیه علیه مردم و شهروندان می‌باشیم". شما در مورد شرایط کنونی ترکیه چه می‌گویید؟

محمد آستگران: بعد از اینکه دولت ترکیه و حزب آ.ک.پ تصمیم به جنگ علیه (داعش و پ.ک.ک) گرفت، جامعه ترکیه دچار بحران همه گیرتری شد که آینده قابل پیش بینی برای آن سخت است. در این پیرویه دولت ترکیه به رهبری اردوغان به عنوان رئیس جمهور آن کشور، جنگ علیه داعش را کنار گذاشت و اساسا به جنگ با پ.ک.ک دامن زد. اما جنگ با پ.ک.ک هم عملا از کوه به شهر نقل مکان کرد. جنگ شهری امروز به معنای واقعی کلمه جنگ دولت با مردم کردستان است.

محاصره شهر جزیره در استان شرناخ و قطع آب و برق و تلفن شهر عملا ارتش و پلیس را به نیروی

اشغالگر تبدیل کرده. بمباران و توپ باران و شلیک بیرحمانه از زمین و هوا علیه مردم و غرغرش تانکها در خیابانها و ویران کردن خانه مردم، کل شهروندان را به دشمن دولت تبدیل کرد و دهها نفر کشته و زخمی بر جای گذاشت. آنچه داعش در کوبانی انجام داد دولت ترکیه خواست در جزیره تکرار کند.

اما مقاومت مردم و حمایت بقیه شهرها و اعتراضات بین المللی باعث شد که اردوغان یک قدم عقب بنشیند. جنگ هنوز ادامه دارد و فراتر از جزیره اکنون در بسیاری از شهرهای دیگر ترکیه کم و بیش مردم معترض و نیروهای مسلح رژیم در حال جنگ و گریز به سر می‌برند. نیروهای مسلح نزدیک به پ.ک.ک در شهرهای ترکیه همان جوانان معترضی هستند که برای مخالفت با دولت اسلامی اردوغان فعلا در کنار پ.ک.ک قرار گرفته اند.

در موقعیت کنونی مردم ترکیه در سه جبهه تقسیم شده اند. مدافعین اردوغان و پ.ک.ک و مردمی که مخالف هر دو جبهه

اردوغان و پ.ک.ک هستند. اکثریت مردم می‌خواهند ضمن ریشه کن کردن جنگ، در صلح و آرامش و آزادی زندگی کنند. با شدت گرفتن جنگ یک بار دیگر ناسیونالیستهای کرد و ترک در مقابل هم قرار گرفته اند. اکثریت مردم ترکیه اما هیچکدام از نیروهای دو جبهه درگیر جنگ را نماینده خود نمی‌دانند. با این حال همه اذعان دارند که اردوغان و حزیش آغازگر و مسئول پیامدهای این جنگ هستند.

در حال حاضر ترکیه در یک بحران جدی فرو رفته است و با ادامه سیاست و حاکمیت حزب آ.ک.پ جامعه ترکیه می‌تواند با آینده ای تاریک مواجه بشود. اما مردم ترکیه می‌توانند و باید در انتخابات بعدی به آ.ک.پ پارتی و اردوغان نشان بدهند که اجازه نمی‌دهند جامعه ترکیه به سرنوشت جامعه سوریه و عراق دچار بشود. مردم ترکیه در صد سال اخیر اساسا از سکولاریسم و آزادیخواهی و برابری طلبی دفاع کرده و لازم است با قدرت تمام در مقابل پیشروی نیروهای اسلامی و ناسیونالیستی بایستند.

۲۰ سپتامبر ۲۰۱۵

از صفحه ۱ بمناسبت شروع سال ...

مصمم تر، روشن تر و آماده تر از همیشه وارد میدان مبارزه میشود. به همین علت هنوز اول مهر نرسیده فشار بر معلمان معترض را تشدید کرده اند تا جلو گسترش مبارزاتشان را بگیرند. اما این نیروی عظیم طبقاتی، معلمان و نسل جوانی که وارد دانشگاهها میشوند و میلیون ها خانواده کارگر و زحمتکش، این وضعیت را میتوانند زیر و رو کنند و هر خواستی را به حکومت مفتخور سرمایه داران تحمیل کنند. امسال میتواند سال گسترش اعتراضات معلمان، دانشجویمان و خانواده های دانش آموزان و سال اتحاد مستحکم آنها باشد. میتواند سال دفاع پرشور معلمان نه تنها از افزایش دستمزد بالاتر از خط فقر و سایر خواستههای بحق آنها، بلکه همچنین سال دفاع پرشور از تحصیل رایگان و ایمنی مدارس و ارتقاء کیفیت آموزشی باشد. میتواند سال دفاع پرشور

میلیونها خانواده دانش آموز از خواستههای صنفی و سیاسی معلمان از جمله خواست آزادی فوری معلمان زندانی و آزادی اعتراض و متشکل شدن معلمان باشد. سال تحصیلی جدید را باید به دور جدیدی از تلاش برای دستیابی به يك آموزش و پرورش شاد، علمی و انسانی بدل کرد و بساط دخالت مخرب و مسموم مذهب و مسجد و آخوند را از آموزش و پرورش جمع کرد. مغز شویی کودکان و نوجوانان با انواع خرافه های مذهبی، استراتژی سیاسی آموزشی در مدارس جمهوری اسلامی است. به همین دلیل هزاران آخوند به مدارس روانه شده اند. استانداردهای آموزشی بشدت سقوط کرده است. در عین حال ناامن و غیر استاندارد بودن کلاسهای درس، بحق مایه نگرانی جدی خانواده ها در سراسر کشور است. در کنار این مسائل،

گرانی سرسام آور شهریه های مدارس که با روند خصوصی سازی ها مرتب افزایش بیشتری می یابد و گرانی کتابهای درسی و لوازم التحریر برای میلیون ها خانواده کارگر و زحمتکش یعنی برای تمام اقشاری که در استثمار و دزدی و مفتخوری نقشی ندارند، کمرشکن است. فقر و بیکاری و حاشیه نشینی سبب گردیده است که میلیونها کودک و نوجوان از چرخه تحصیل باز بمانند و به بازار بیرحم کار پرتاب شوند.

مطالبات ما روشن است: آموزش در تمام سطوح باید کاملا رایگان و اجباری باشد و هر نوع شهریه و اخاذی از خانواده ها ممنوع گردد. کتب درسی باید رایگان شود. يك وعده غذای گرم، با کیفیت و رایگان باید در تمام مدارس کشور معمول گردد. خصوصی کردن مدارس باید فوراً متوقف و ممنوع شود و کیفیت آموزش و ایمنی مدارس در همه جا سرعت تضمین شود. کتب درسی

از صفحه ۱ کودک آزاری جمهوری ...

عدم دسترسی روتین به معالجات پزشکی، معاینه مجانی چشم و شنوایی، کمبود دارو - کمبود امکانات تحصیلی، کتاب، نوشت افزار و فیلم - عدم دسترسی به امکانات حمل و نقل بشکل رایگان. - عدم امنیتی جانی و وجود هزاران مدارس تخریبی - نابرابری جنسیتی در اشکال جداسازی در مدارس. - حجاب اجباری. - درس و خرافه مذهبی.

در نظام جمهوری اسلامی تحصیل و مدارس طبقاتی است. فرزندان طبقات مرفه از مدارس خصوصی با پرداخت هزینه های بیست میلیون تومانی به تحصیل میپردازند. در مدارس خصوصی با وجود امکانات استاندارد شده، در عرصه نابرابری جنسیتی و جداسازی مدارس، حجاب اجباری و خرافه مذهبی، کودک آزاری جمهوری اسلامی اعمال میشود.

کودک آزاری جمهوری اسلامی سیاسی و طبقاتی است. در اثر شرایط فلاکتبار اقتصادی و بیکاری میلیونی ۴ میلیون کودک در ایران از تحصیل محروم شده اند و هر روز بر تعداد کودکان خیابانی اضافه میشود. جمهوری اسلامی نظام آپارتاید جنسی و نابرابری جنسیتی، ضد رفاه، سعادت و خوشبختی

کودک است. اولین گام برای سعادت، رفاه و خوشبختی کودک، کوتاه شدن دست مذهب از زندگی آنها، به معنی لغو آپارتاید جنسی و جداسازی جنسیتی، به معنی دستمزدها و حقوق مزدگیران جامعه بالاتر از خط فقر، به معنی دسترسی کامل به تحصیل رایگان و پایان دادن به طققاتی بودن مدارس، به معنی برخورداری کودکان از دارو و امکانات پزشکی رایگان، به معنی تفریح و برخورداری از بالاترین استانداردهای تحصیلی، است!

جامعه و مردم علیه کودک آزاری جمهوری اسلامی؛ بازگشایی مدارس و کودک آزاری جمهوری اسلامی چالش سیاسی - طبقاتی ابژکتیو و فوری جامعه و مردم، است. دفاع از کرامت و حرمت کودک، برخورداری از سعادت و خوشبختی کودکان در مدارس در گرو از بین بردن مصائب اجتماعی - اقتصادی و ساختاری نظام جمهوری اسلامی است. بازگشایی مدارس فرصتی مناسب برای سازمان دادن ابتکارات اعتراضی خانواده ها و معلمان در دفاع از کودکان است.

۲۹ شهریور ۹۴

۲۰ سپتامبر ۲۰۱۵

انسانی و بدون تبعیض حق کودکان و مردم است و باید برقرار شود. این خواست ها و خواست های متعدد معلمان باید به خواست مشترک همه مردم، خانواده ها و معلمان و دانشجویمان و دانش آموزان در سراسر کشور تبدیل شود. سال تحصیلی جدید را به سال اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر میان معلمان و خانواده های دانش آموزان، به سال دور هم جمع شدن و متشکل شدن و گسترش مبارزه برای این خواستهها تبدیل کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ شهریور ۱۳۹۴

۲۱ سپتامبر ۲۰۱۵

**زندگی شاد، ایمن و خلاق
حق مسلم کودکان است!**

نگاه هفته: مجموعه اخبار ...

همچنین نبود کادر مجرب در بیمارستان سقز به خطای پزشکی ختم می‌گردد.

آزادی دانا لنج آباد

۲۶ شهریور دانا لنج آباد دانشجوی رشته اقتصاد کشاورزی دانشگاه پیام نور میروان و از چهره‌های جنبش دانشجویی از زندان به خانه بازگشت. وی از پنج بهمن ماه ۹۲ در زندان‌های حکومت اسلامی ایران محبوس بوده و اواخر همان سال حکم ۵۰ ضربه شلاق در مورد ایشان اجرا گردید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری آزادی دانا لنج آباد را به او و خانواده اش و دانشجویان دانشگاه پیام نور صمیمانه تبریک می‌گوید. دستگیری دانشجویان بدلیل دفاع از آزادی بیان و عقیده توسط نهاد های امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی محکوم است!

نبود کادر مجرب در بیمارستان سقز

به خطای پزشکی ختم می‌گردد. زنی حامله پس از احساس درد به یک کارشناس مامایی مراجعه می‌کند و این پزشک به دلیل مصرف قرص‌های سقط جنین توسط مادر، مجبور به عمل بیمار (به طور غیرقانونی) می‌شود که اقدام صورت گرفته، سوراخ شدن رحم و روده بیمار را در پی دارد.

دستگیری پنج تن از دانشجویان

مهربان کشاورز (شهروند مریوان)، سیامک ملامحمدی (شهروند مهاباد)، حسین جندیان، کیانا (دیدار) کریم‌پور، سپهرداد صاحبان، اسامی دیگر بازداشتی‌ها تهران و کرج هستند که دلیل اصلی بازداشت آنان و انتقال به زندان اوین همچنان نامعلوم گزارش می‌شود.

قتل جوان بیست ساله "اسماعیل" توسط نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در مریوان!

۲۸ شهریور نیروهای انتظامی حکومت اسلامی ایران "اسماعیل" را در منطقه مرزی توتمان مورد اصابت گلوله قرار دادند که در اثر این حمله نامبرده جان خود را از دست داد. اسماعیل چوپان بوده و به دلیل عبور از "نقطه صفر مرزی" مورد اصابت گلوله پاسگاه "قربناوج" قرار گرفته‌است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری قتل اسماعیل بیست ساله کارگر زحمتکش را بخانواده و مردم روستای "اسکل" تسلیت می‌گوید و مردم شهر و روستاهای مریوان را به اعتراض به قتل اسماعیل فرا می‌خواند. در شهر و روستاهای کردستان حضور نیروهای مسلح موجبات نا امنی جانی مردم خواهد شد. میلیتاریزم شهر و روستاهای کردستان محکوم است!

اعدام

۲۵ شهریور متاسفانه رثوف حسنی در سن سی و پنج سالگی توسط نیروهای زندان سنندج اعدام شد.

۳ میلیارد دلار قاچاق ورودی

سالانه ۳ میلیارد دلار طلا از مرزهای آبی و خاکی ایران وارد می‌شود که به گفته قائم مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت، تبعات آن به تجارت رسمی باز می‌گردد. مجتبی خسروناج به نقل از ریزآمارهای ستاد مبارزه با کالای قاچاق از ورود سالانه چهارده و نیم میلیارد دلار کالای قاچاق به کشور خبر داد. در این آمارها، طلا با ۳ میلیارد دلار، پوشاک با ۲۰۷ میلیارد دلار و وسایل خانگی با ۲ میلیارد دلار بیشترین سهم را در ترانزیت کالای قاچاق دارند. سیگار، رایانه، لوازم آرایشی، گوشی و لوازم یدکی از دیگر کالاهای قاچاق هستند که واردات آنان به چندین میلیارد دلار می‌رسد. سود حقوق گمرکی (تعرفه) یکی از دلایل قاچاق است به نحوی که هزینه قاچاق کالا در مقابل سود بازرگانی واردات این نوع کالاها در حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد است.

در راس باندهای قاچاق در مرزها، سپا پاسداران قرار گرفته‌اند. این نیروی میلیشیای اقتصاد و اختاپوس مالی در نظام جمهوری اسلامی با حمایت‌های خامنه ای جنایتکار در به تباهی کشاندن زندگی مردم در ایران، بیکاری میلیونی و مرگ هزاران کارگر کولبر متهم اصلی محسوب می‌شود.

گزارش از مراسم در شهر سلیمانیه در گرامیداشت شاهرخ زمانی!

۲۹ شهریور ۱۳۹۴ برابر با ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۵ مقارن ساعت ۴:۴۵ عصر مراسم گرامیداشت عزیز جانباخته شاهرخ زمانی و همچنین تجلیل از فعالین و کارگران زندانی در ایران، محمود صالحی، بهنام ابراهیم زاده، علی نجاتی مقابل پارک عمومی شهر سلیمانیه برگزار شد. در این مراسم، استاد حسین، بیانیه سندیکای مستقل کارگران ساختمانی کردستان در حمایت از کارگران ایران را قرائت کرد و مسئول مرگ شاهرخ زمانی را جمهوری اسلامی دانست. سپس استاد مهدی، بیانیه فدراسیون شوراهای سندیکاهای عراق را به زبان عربی قرائت کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: "مرگ شاهرخ باعث توقف مبارزه طبقاتی کارگران ایران خواهد شد، ما در کنار کارگران ایران هستیم و قتل شاهرخ زمانی توسط حکومت ایران محکوم شده است". در ادامه برنامه رفیق محمد عبدالله قادر بیانیه حزب کمونیست کارگری عراق را خواند. در این بیانیه ضمن محکوم کردن قتل شاهرخ زمانی، از او بعنوان رهبر پیشرو و سازمانده طبقه کارگر ایران یاد شده است، در بخشی دیگر از برنامه علی محمد امین، روزنامه نگار، ترجمه کردی، نامه شاهرخ از زندان به دخترش را برای حاضرین خواند. در بخش پایانی برنامه و میکروفون آزاد، علی زیدونی یکی از کارگران مهاجر ایرانی، به زبان فارسی ضمن تجلیل از شاهرخ زمانی و کارگران زندانی در ایران گفت: "مسئول مستقیم مرگ شاهرخ زمانی، حکومت ایران هست. اگرچه جمهوری اسلامی توانسته شاهرخ و شاهرخها را در زندانهای خود از بین ببرد ولی کارگران ایران راه وی را ادامه خواهند داد و بدنال مطالبات کارگری خویش خواهند بود. گفتنی است در لایلهای مراسم، شعارهایی همچون: "شاهرخ معلم ماست، نه به اعدام، مرگ بر جمهوری اسلامی"، از سوی حاضرین سر داده شد. مراسم در ساعت، ۵:۳۰ پایان یافت. گزارش از علی زیدونی)

مراسم گرامیداشت در زندان رجائی شهر کرج!

دوشنبه شب ۲۳ شهریور ماه مراسمی در گرامیداشت یاد و خاطره شاهرخ زمانی در سالن ۱۲ زندان رجایی شهر کرج برگزار شد. در این

مراسم گرامیداشت ابتدا با یک دقیقه سکوت بنام آزادی و بنام جانباختگان زندانی و نام شاهرخ زمانی با مدیریت باغانی معلم زندانی آغاز شد. سپس محمد سیف زاده و سعید ماسوری، خالدردانی، و سعید رضایی در وصف تاریخ مبارزه با استبداد صحبت کردند و میثاق یزدان نژاد هم خاطرات شاهرخ را در دل زندانیان زنده کرد. زینار مرادی ترانه کردی و صالح کهن دل و حسنی نیز ترانه ای آذری سرودند. در خاتمه شعر معروف مرغ سحر به یاد تمامی جانباختگان و شاهرخ زمانی توسط تمامی زندانیان سروده شد. یاد شاهرخ زمانی و تمامی جانباختگان گرامی و زنده است.

حکم ۹ سال زندان برای محمود صالحی!

۲۵ شهریور محمود صالحی برای دریافت حکم خود به دادگاه سنندج مراجعه کرد و دفتر دادگاه شفاها به وی اعلام کرد که در مجموع به نه سال زندان محکوم شده است. اما از تسلیم دادنامه به وی خود داری کرد. این حکم در حالی صادر میشود که محمود صالحی در دادگاه از کلیه فعالیت های خود در باره دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان و پی گیری ایجاد تشکل های مستقل کارگری به دفاع بر خاسته و آنها را حق همه کارگران و فعالان کارگری دانسته بود و با استناد به قوانین موجود هیچ اتهامی بر او وارد نبود و هیچگونه مدرک و مستنداتی برای اتهامات دیگر او در دادگاه موجود نبود. ۲۶ شهریور خبری مبنی بر حکم ۳ سال زندان به رسول بدقی معلم زندانی نیز دریافت شد. رسول بدقی قبلا به ۶ سال زندان محکوم شده بود اتمام دوران زندانش در

تاریخ ۶ مرداد بود. در حالی که همه منتظر آزادی رسول بدقی بودند رژیم جنایتکار و هار اسلامی برایش پرونده ای جدید باز کرد. این بار وی را به ۳ سال زندان محکوم کرده اند. در مقابل این توحش و بربریت جنایتکاران و دزدان تنها مبارزه بی امان پاسخ محکمی خواهد بود. زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

محمد جراحی خواهان پی گیری علت مرگ شاهرخ زمانی شد!

محمد جراحی زندانی سیاسی و هم پرونده شاهرخ زمانی که به پنج سال و شش ماه زندان محکوم شده و هم اکنون دوران محکومیت خود را در زندان تبریز سپری میکند، خواهان پی گیری پرونده فوت شاهرخ زمانی در زندان شد. اوکه در یک تماس تلفنی از زندان تبریز صحبت میکرد و با بغض در گلو نمیتوانست کلمات را به خوبی ادا کند اظهار داشت که مرگ شاهرخ زمانی نمیتواند به صورت عادی باشد و از تمام مجامع بین المللی خواست که با پی گیری پرونده فوت او در زندان حقیقت را روشن کنند تا از به وجود آمدن چنین فجایعی که بارها در زندان های ایران اتفاق افتاده جلو گیری شود. اوضمن تشکر از همه دو ستانی که در تشییع جنازه و خاکسپاری شاهرخ زمانی شرکت کرده بودند با تالم بسیار اظهار داشت که ناباورانه این خبر را در زندان شنیده است و ضمن تسلیت به خانواده شاهرخ زمانی و یاران و دوستان او تاکید کرد که این ضایعه جبران ناپذیر نمیتواند فعالان کارگری و طبقه کارگر را از خواسته های خود باز دارد و او و یارانش همچنان پی گیر خواسته های به حق کارگری خواهند بود.

آدرس و شماره های تماس با حزب
004777989968
ایمیل: committee.sazmandehwpi@gmail.com

تلفن از هر خطی: ۰۰۴۷۷۳۵۶۲۴۶
وین: تلگرام: www.t.me/sazmandehwpi

وین: تلگرام: www.t.me/sazmandehwpi، واتس اپ: شماره ۰۰۴۶۷۳۹۶۸۱۴۳۸ هشت.

ایمیل: javanan.tamas@gmail.com

سایت ها:

سایت حزب کمونیست کارگری ایران: <http://www.wpiran.org/>

صفحه حزب در فیس بوک: <https://www.facebook.com/wpiran>

سایت کمیته سازمانده: <http://www.sazmandeh-wpi.com/>

سایت سازمان جوانان حزب: <http://www.cyoiran.com/>

سایت کمیته آذربایجان: <http://sahand-azadi.com/>

بلاگ کمونیسم امروز: <https://communismemrooz.wordpress.com/>

سایت حمید تقوایی: <http://www.hamidtaqvae.com/>

برای آشنایی بیشتر با سایتی کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری
میروانید همچون به سایت آرشو کار منور حکمت مراجعه کنید:

<http://hekmat-public-archive.net/>

از صفحه ۱ بازخوانی تاریخ جدایی ...

گراهنبا ترین فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، نظامی و تشکیلاتی در حکا و کومه له سپری کرده ام، لازم دیدم اینبار نیز در رد ادعاهای ابراهیم علیزاده که بنا به مصلحت اندیشی روز در پیشگاه ناسیونالیسم کرد بارها این تاریخ درخشان و روند آن را به حراج گذاشته است، به گوشه های بسیار کوچکی از حقایق بزرگتر آن دوران اشاره کنم.

دفاع از یکدهه تلاش صدها کمونیست در حکا و کومه له، دفاع از تاریخ جنبش چپ و کمونیستی و دستاوردهای آن، و دفاع از شمره جانفشانی آثانی است که امروز در قید حیات نیستند اما سهم بسزایی در خلق آن دوره تاریخی معین را داشتند. پاسخ دادن به این تحریفات وظیفه کسانی است که خود را سهیم در آن تاریخ میدانند و آندوره گرانها را بخشی از تاریخ زندگی سیاسی پر افتخار خود محسوب میکنند. در همین رابطه و طی چند بخش مجزا به آنچه که در تاریخ نزدیک به یک دهه مورد تحریف از سوی ابراهیم علیزاده قرار گرفته است اشاره خواهم کرد.

.....

جدایی یا انشعاب؟

ابتدا این را توضیح دهم که ابراهیم علیزاده در صحبت‌های اخیرش مدام از واژه انشعاب استفاده میکند. مصاحبه کننده نیز به همین ترتیب بارها از واژه انشعاب در سئوالهایش استفاده میکند. جدایی و انشعاب چه در محتوا و چه در تعریف ظاهری در ادبیات سیاسی دو مقوله متفاوت از یکدیگر هستند. انشعاب کردن بخشی از یک حزب یا یک سازمان سیاسی یعنی اینکه آن جمعی که انشعاب کرده است، در اصول پایه ای، سیاست، افق و پراتیک، اختلافی با آن سازمانی که ازش بیرون آمده اند ندارند بلکه فقط بخاطر یک سری اختلافات تشکیلاتی و برخی موارد حاشیه ای و کدورت‌های شخصی که بخاطر آنها سر سازگاری با همدیگر نداشته اند، می روند حزب یا سازمان دیگری را با همان نام بعنوان میراث دار حزب قبلی تشکیل میدهند. نظیر انشعاب حزب کومه له مهتدی یا سازمان زحمتکشان از کومه له. انشعاب یعنی شعبه دیگری زدن و

هر گاه اختلافات و خورده حسابهای حاشیه ای تسویه شود امکان ملحق شدن بهمیدیگر وجود دارد و مجددا میتوانند زیر یک چتر جمع شوند. برای مثال پروسه ای که بارها در مورد تمام طیفهای موسوم به کومه له شنیده ایم که قصد یکی شدن مجدد را دارند. یا در مورد هر دو حزب دمکرات نیز این مسئله صادق است.

اما جدایی یا جدا شدن به این معنا است که بخشی از افراد یک حزب یا سازمان، در پایه ای ترین سطوح سیاسی، برنامه ای، نظری، افق و چشم انداز فعالیتها، خود را با بخش دیگر آن همسو نمی بینند. در نتیجه با انتخاب اسم متفاوتی، با افق، برنامه و سیاستهای جدیدی حزب دیگری میسازند و به فعالیت متفاوت تری مشغول میشوند. همان ایام و بدلیل همین اختلافات پایه ای، ما از واژه جدا شدن استفاده کردیم. یعنی انجام فعالیت‌های متفاوت تر از قبل که از جنس دیگری است. توضیح این نکته ساده از آن رو اهمیت داشت که بگویم واژه های جدایی و انشعاب هر یک وزن و بار متفاوتی را معنی میدهند و حککا از حکا جدا شد نه اینکه انشعاب کرده باشد.

کومه له قبل از تشکیل حکا

کومه له قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران علیرغم نگرش پوپولیستی و مانویستی حاکم بر این سازمان و علیرغم نداشتن برنامه و افق روشن اما بدلیل اتخاذ مواضع قاطع در مبارزه علیه رژیم اسلامی در میان مردم محبوبیت پیدا کرد. این محبوبیت قبل از هر چیز به بافت و بدنه این سازمان و شرایط و موقعیت انقلابی در سال ۵۷ مربوط است. بافت و بدنه اجتماعی کومه له را جوانان چپ در شهرهای کردستان تشکیل میدادند. قبل از ابراز وجود علنی کومه له این بدنه اجتماعی در ابعاد گسترده ای در شهرهای کردستان و در میان طیفها، محافل و گروههای مختلف از جمله، روشنفکران، دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و بخشا کارگرانی که به مسایل سیاسی و چپ گرایش داشتند وجود داشت. این طیف وسیع چپ اجتماعی به همراه

بخش وسیع و گسترده ای از مردم، با جریانی همراه شدند که قاطعیت سازش ناپذیری در مقابل سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی از خود نشان میداد. از آنجا که نیروی دیگری با ادعای چپ در جامعه کردستان وجود نداشت و فقط حزب دمکرات کردستان ایران بعنوان حزب ناسیونالیست کرد از یک پیشینه قدیمی برخوردار بود، بعد از اعلام فعالیت علنی کومه له در اواخر سال ۵۷ و اینکه تنی چند از شخصیت‌های این سازمان برای طیفهای اجتماعی چپ و رادیکال در کردستان شناخته شده بودند، عمدا فعالیت‌های خود را به آن گره زدند. بدون توضیح پایه های این چپ اجتماعی، کومه له بطور مستقل و با همان تعداد از افراد اولیه و با آن بی بضاعتی نظری و تئوریک و همچنین عدم وجود فضای انقلابی سال ۵۷، قادر به ایفای نقشی در جامعه نمی بود.

اغلب کسانی که بعدها بعنوان عضو و هوادار کومه له شناخته شدند، قبل از انقلاب در روستاها معلم بودند. یادم هست که یکی از روشهای این دست از معلمان بخاطر جذب و جلب دهقانان و همزنگ شدن با روستائیان این بود که حتی هفته ها لباسهایشان را نمی شستند. نگرش دهقانی و پوپولیسم حاکم بر کومه له و فقر نظری و تئوریک در این جریان یکی از وجه مشخصه های کومه له بود. نگرش دهقانی، توأم با عدم رعایت امور بهداشتی و با توجه اینکه دهقانان به حرفهایشان گوش دهند، از مشخصات بارز اعضای مخفی کومه له در روستاهایی بود که به شغل معلمی مشغول بودند. گفتن از جوانب مختلف روش، سبک و نگرش آن دوران در کومه له قطعاً نیازمند ساعتها گفتن و نوشتن است که از حوصله این مجموعه خارج است.

بهر رو تا قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران، کومه له در موقعیتی نبود که بخواهد به تشکیل حزب کمونیست ایران بیندیشد. مبارزه مسلحانه با اقتباس از سنت و روش جریانات ناسیونالیسم کرد بویژه اتحادیه میهنی کردستان عراق نیز یکی دیگر از وجه مشخصه های کومه له قبل از تشکیل حکا بود. در رابطه با نقش کومه له در جریان رویدادهای کردستان در بعد از قیام ۵۷، در

کتاب "تاریخ یکدوره مختصری از فعالیت سیاسی در کردستان" بطور مفصل نوشته ام و اینجا نیازی به تکرار آن نیست. علاقمندان به مطالعه "تاریخ یکدوره" را به لینک زیر رجوع میدهم.

<http://www.azadi-b.com/F-Album/tarix.y.d.abdol.g.pdf>

کومه له در جریان پروسه تشکیل حکا

ارتباط و نزدیکی کومه له با اتحاد مبارزان کمونیست در فضای انقلابی جامعه ایران نه تنها مسئله تشکیل حزب کمونیست ایران را به موضوع و مشغله کومه له تبدیل کرد بلکه دگرگونی بنیادی تری از نظر سیاسی، تئوریک، نقد دیدگاههای بی ربط به اوضاع آن دوران که یکی از آنها "نیمه مستعمره و نیمه فئودال" خواندن جامعه ایران بود، بسرعت بی اعتبار کرد. از مهمترین جنبه های هموار کردن مسیر برای تشکیل حزب کمونیست ایران که ابراهیم علیزاده به آن اشاره ای نمیکند، پیش نویس برنامه حزب کمونیست است که بر اساس برنامه اتحاد مبارزان کمونیست و بوسیله منصور حکمت نوشته شد. علاوه بر پیش نویس برنامه حزب، پیش نویس اساسنامه حزب نیز بوسیله منصور حکمت نوشته شد. هم برنامه و هم اساسنامه در کنگره موسس حزب کمونیست ایران به تصویب رسید. تشکیل سمینار مقدماتی تدارک حزب که به "کنفرانس شمال" معروف است اساسا برای رفع موانع بر سر راه تشکیل حزب برگزار شد که یکی از بحثهای مهم این سمینار یعنی نقد "تئوری پیوند" بود. تزه‌های نقد تئوری پیوند را هم منصور حکمت در این کنفرانس ارائه داد. توضیح دهنده این تزه‌ها در کنفرانس شمال نیز حمید تقوایی بود.

متن تزه‌های منصور حکمت و سخنرانی حمید تقوایی در توضیح آنها در نشریه "سوی سوسیالیسم" ۶، ارگان تئوریک سیاسی اتحاد مبارزان کمونیست بتاريخ ۲۰ مرداد ۱۳۶۲ یعنی حدودا ۲۰ روز قبل از اعلام تشکیل حزب کمونیست ایران بوسیله انتشارات کومه له در کردستان چاپ شد. به لحاظ نظری هم، مقاله "جنبش دهقانی پس از حل امپریالیستی مسئله ارضی"

و نوشته تئوریک و ماندگار منصور حکمت با عنوان "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی" نقش مهم و تعیین کننده ای در کنار زدن دیدگاه یک و همان خط نیمه فئودال نیمه مستعمره در درون کومه له داشت. نکاتی را که تیتتر وار و مختصر اشاره کردم تنها بخش کوچکی از نقش اتحاد مبارزان کمونیست، منصور حکمت و دیگر کادرهای رهبری این سازمان بر وضعیت کومه له برای برون رفت از بی بضاعتی نظری و تئوریک این سازمان در جهت قدم گذاشتن در مسیر تشکیل حزب کمونیست ایران بود.

بعد از پیوستن کومه له بعنوان یکی از سازمانهای تشکیل دهنده حزب کمونیست ایران، نقد پوپولیسم و نقد نگرش دهقانی و روی آوری اش به مارکسیسم انقلابی، افق روشنی در مقابل کومه له ترسیم شد. بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران در شهریور ۶۲ است که کومه له با اتکا به مارکسیسم انقلابی، جهت گیری و افق سیاسی روشن وارد فاز دیگری از فعالیت سیاسی، نظامی و تشکیلاتی میشود.

این اسناد غیر قابل انکار و غیر قابل تحریف هستند. ابراهیم علیزاده اسناد و تاریخی را خط میزند که بر بستر آن مهمترین و با اہت ترین حزب تاریخ جنبش چپ و کمونیستی در ایران را پایه ریزی شد. خط زدن تاریخ تشکیل حزب کمونیست ایران و خط زدن زمینه های شکل گیری آن از سوی ابراهیم علیزاده ناشی از فراموش کاری ایشان نیست بلکه تلاشی آگاهانه و بخاطر مصلحت اندیشی شرایط و موقعیت امروز سازمان متبوع او در شکافهای منطقه ای، نزدیکی با دوستان دیروز و حامیان امروز است. ایشان بجای ارائه روایت ژورنالیستی و جعلی از تشکیل حکا و بجای ساعتها توضیح شفاهی غیر واقعی در مورد این تاریخ، میتواند اسناد آترا که در آرشیو حکا موجود است روی سایت‌های حکا و کومه له بگذارد تا در دسترس علاقمندان و نسل جدیدی که در صفوف حزب کمونیست مشتاق دست یابی به حقایق آن دوره معین هستند قرار بگیرد. باید برای هر جستجوگری که علاقمند به اطلاع یافتن از این تاریخ را دارد، این سئوال اساسی

از صفحه ۴ بازخوانی تاریخ جدایی ...

مطرح باشد که چرا ابراهیم علیزاده از در دسترس قرار دادن اسناد تاریخ تشکیل حکا پرهیز میکند؟

تاریخ درخشانی که سانسور میشود!

اعتبار، اتوریته و نفوذی که کومه له در طول فعالیت خود بعد از تشکیل حکا کسب کرده بود ناشی از خط و سیاست روشن کمونیستی، نقد نگرش پوپولیستی و مائوئیستی آن و بعدا نقد و حاشیه ای کردن روشهای به ارث برده شده از سنت مبارزاتی ناسیونالیسم کرد ممکن شد. این خط، هم از نظر سیاسی، تشکیلاتی و پراتیکی بر حزب کمونیست ایران و هم بر کومه له ناظر بود. حزب کمونیست ایران در شهریور سال ۱۳۶۲ تشکیل شد و تا زمان جدایی حککا از حکا یعنی سال ۱۳۶۹ بمدت ۸ سال، کومه له را در موقعیت برجسته ای قرار داد که از اعتبار و اتوریته بسیار بالایی در میان کارگران و مردم شهرهای کردستان برخوردار بود. برگزاری اولین مراسمهای روز جهانی کارگر در سنندج و بعدا در دیگر شهرهای کردستان از سالهای ۶۳ و ۶۴ به بعد مهر تاثیر خط سیاسی آندوره کومه له را بر خود دارد. این مدت زمان معین یعنی تاریخ پر افتخار کومه له، یعنی تاریخ درخشانی در تمامی عرصه های مختلف فعالیت سیاسی، اجتماعی و همچنین فعالیت کومه له در عرصه کار نظامی.

علاوه بر مبارزه برعلیه رژیم اسلامی، آندوران کومه له با جنگی تحمیل شده از سوی حزب دمکرات کردستان ایران بر سر آزادیهای بی قید و شرط سیاسی روبرو بود. دفاع قاطع کومه له از منافع کارگران و مردم زحمتکش و دفاع بی قید و شرط از آزادی بیان در برابر حکا، به اعتبار و جایگاه کومه له در میان مردم افزود. آن دوران و در اواخر جنگ دمکرات علیه کومه له، رهبری وقت کومه له با جهت گیری جنگ جنگ تا پیروزی در مقابل موضع و اتخاذ سیاست منصور حکمت مبنی بر آتش بس یکطرفه با حدکا مغلوب شد. در نتیجه اتخاذ این سیاست بود که حزب دمکرات بعنوان نماینده بورژوازی کرد در این جنگ شکست خورد و دو شقه شد.

از سیاست ناظر بر فعالیت نظامی گرفته تا ایجاد مدرسه حزبی اکتر، از سیاست ناظر بر خط و جهت برنامه های رادیویی گرفته تا مطالب، مقالات، اسناد و قطعنامه های کنگره ها و پلنوماها، از بولتن مباحث مربوط به شوروی و دولت در دوره های انقلابی گرفته تا اسناد و مقالات منتشر شده در نشریه کمونیست، از سیاست سازماندهی در میان کارگران گرفته تا ایجاد مناسبات مدرن، سالم و سیاسی در اردوگاهها و در درون صفوف نیروهای مسلح و بالاخره نحوه جدائی حککا از حکا که سالم ترین و مدرنترین متد و روش برخورد از جدایی در یک حزب که تازه ترین الگوی متمدانه بود، همگی ناشی از خط، جهت و سیاستی بود که ابراهیم علیزاده کلمه ای در موردشان حرف نمی زد و بطور اختیاری و دلخواهی دوست دارد آنها را خط بزند.

مردم شهرهای کردستان عراق نیز با دیده احترام به کومه له نگاه می کردند. جریانات چپی که در کردستان عراق نیمه مخفی و نیمه علنی فعالیت می کردند و بعدا حزب کمونیست کارگری عراق را تشکیل دادند، متأثر از نقش، جایگاه و خط سیاسی، نظری و تئوریک منصور حکمت در جهت برون رفت از پراکندگی و رفتن به استقبال ساختن یک حزب جدی سیاسی در عراق بودند که در مقطع جدایی حککا از حکا، همان منصور حکمت و کسانیکه همراه او از حکا جدا شدند و ابراهیم علیزاده آنان را "نا امیدان" خطاب قرار میدهد، دو حزب قوی و مطرح را برای پاسخگویی به تحولات عظیم آندوره ساختند. سمپاتی و گرایش فعالین کمونیست و کارگران در کردستان عراق به خط منصور حکمت، مربوط به دوران قبل از جدایی از حزب کمونیست ایران است. این نفوذ و اعتبار یکشنبه بدست نیامده بود.

اینها نتیجه کوهی از فعالیت تئوریک - نظری، خط و افق سیاسی روشن، پراتیک اجتماعی و فعالیتهای نظامی در داخل و ارتباط از نزدیک با شخصیتهای این سازمانها بود. ترجمه نوشته های منصور حکمت به زبانهای عربی و

کردی در دوران خفقان و دیکتاتوری رژیم بعث صدام حسین بوفور در میان جریانات چپ و فعالین کارگری عرب زبان دست بدست میگشت که بخش بسیار مهمی از دستاوردهای عظیم در این تاریخ معین است. خط، سیاست، برنامه و دادن افق و دورنمای روشن کمونیستی منصور حکمت و نقد همه جانبه دیدگاههای بی ربط به جنبش کارگری و کمونیستی، جهت دهنده تاریخ ۸ سال اولیه فعالیت کومه له بعد از تشکیل حکا بوده است. کومه له با جایگاه و موقعیتی که قبل از تشکیل حزب داشت بدون این دستاوردها که بعد از تشکیل حزب ممکن شده بود و بالاتر به آن اشاره شد در بهترین حالت میتوانست با کوله باری از پوپولیسم و نگرش دهقانی به مناسبات جامعه ایران جناح چپ ناسیونالیسم کرد باشد.

آنچه که مختصر و تیتیر وار در این بخش اشاره شد دستاورد و اندوخته ای از تجارب مبارزاتی موفق با بهره گیری از خط سیاسی، نظری و تئوریک روشنی بود که حزب کمونیست ایران و کومه له را به مطرح ترین جریان چپ و رادیکال در منطقه تبدیل کرد. برخلاف اظهارات بی پایه ابراهیم علیزاده مبنی بر "آنها دچار نا امیدی شده بودند"، باید گفت که منصور حکمت بعنوان معمار اصلی در ساختن حزب کمونیست ایران، بعد از "نا امید شدنش"، دو حزب مطرح و عظیم تر، حزب کمونیست کارگری و حزب کمونیست کارگری عراق را بعنوان دو حزب در پاسخ به ضرورتهای بعد از پایان جهان دو قطبی را ساخت. "امیدواران" باقی مانده در حکا و کومه له اما زمینگیر شدند و نه تنها توان ادامه آن خط و جهت گیری پیشین را نداشتند بلکه طی هر دوره ای و با انشعاب جریانات ناسیونالیست و بر سر تصاحب نام کومه له که اعتبار و اتوریته اش مدیون آن تاریخ معین بود، تا مرحله اسلحه کشیدن بروی همدیگر پیش رفتند.

متاسفانه ابراهیم علیزاده پروسه تشکیل حزب کمونیست و بعد از آن تا مقطع جدایی را نه تنها تحریف میکند بلکه بر مهمترین دوران تاریخی و سرنوشت ساز در حیات سیاسی حکا و کومه له آگاهانه خط بطلان میکشد. کادرها و اعضای

دولت اردوغان و حزب اسلامیش باید افشا و منزوی شوند

دولت اردوغان و حزب اسلامیش باید افشا و منزوی شوند بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران دولت ترکیه تهاجم نظامی تمام عیاری را علیه مردم مناطق کردستان به جریان انداخته است. بنا به گزارشهای مختلف از اواخر ماه ژوئیه که این لشکرکشی تحت عنوان مقابله با تروریسم "پ ک ک" شروع شد تاکنون صدها تن از مردم بیگناه به قتل رسیده و صدها هزار نفر آواره شده اند. در برخی شهرها مثل شهر جزیره در جنوب ترکیه حکومت نظامی برقرار شده و در حملات و تعرضات نظامیان به مردم طی یک روز بنا به برخی گزارشها حدود ۳۰ نفر غیر نظامی از جمله چند کودک در این شهر کشته شدند. این جنگ به مناطق کردستان ترکیه محدود نشده و ارتش ترکیه در مناطق کردنشین سوریه و عراق نیز هرروز بمباران و گلوله باران پایگاههای اپوزیسیون کرد را ادامه میدهد. بنا به اعلام رسمی دولت ترکیه عملیات نظامی ارتش ترکیه در خاک عراق با توافق و حمایت مسعود بارزانی انجام میشود. و این خود اوج تعفن ناسیونالیسم کرد را بر ملا میکند که بخاطر منافع حقیر فرقه ای و دیپلماتیک خویش حاضر است بر جنایات ارتش ترکیه علیه مردم منطقه تحت حاکمیت خود چشم ببوشد و حتی از آن حمایت کند.

بر متن فضای جنگی موجود، دولت اردوغان و دستجات متعلق به حزب اسلامی "عدالت و توسعه" بشدت بر تبلیغات و فضا سازی ناسیونالیستی و شوینیستی و "خون ترک" و تعصبات عقب مانده ترکی میکوبند، باندهای سیاه با پرچم و نماد عثمانی بشدت فعال شده اند و هرجا که مردم کرد زبان را گیربیاورند به

جدید در حزب کمونیست ایران و کومه له محق هستند بدانند که حکا چگونه تشکیل شد و در کوران این هشت سال فعالیت بی نظیر چه

آنها حمله میکنند. هفته گذشته چندین مورد حمله به کارگران کرد و فروشگاههایی که صاحبانش کرد زبان بودند جلوی چشم پلیس صورت گرفت. در سایه این فضای ناسیونالیستی و فاشیستی مخالفت با اردوغان و حکومتش عملا ممنوع شده است. گزارشهایی مبنی بر بستن برخی روزنامه های منتقد منتشر شده است. روشن است که این جنگ و جو ناسیونالیستی که حزب عدالت و توسعه و اردوغان به آن خزیده است، نه فقط علیه مردم کرد زبان بلکه علیه هرگونه آزادیخواهی و انتقاد و مخالفت و علیه تشکلهای مستقل در سراسر ترکیه است. دولت اردوغان و حزب اسلامیش در تلاش است با اشغال سنگر ناسیونالیسم ترک در انتخابات بعدی که قرار است اول نوامبر برگزار شود آرای بیشتری را از جبهه ناسیونالیستها به سوی خود جلب کند، به آرای حزب "دموکراتیک خلقها" لطمه بزند و مانع حضور آنها در پارلمان شود، فضای مخالفت و اعتراض را عقب براند و زمینه را برای افزایش اختیارات اردوغان فراهم کند. اما از همه مهمتر، دولت اردوغان از پیشروی جنبش ضد داعش در منطقه کردستان سوریه و محبوبیت وسیع تشکل های ضد داعش و یگانهای زنان و یگانهای موسوم به یگانهای مدافع خلق به وحشت افتاده و نگران است که این محبوبیت و فضای آزادیخواهانه و خود مدیریتی که ایجاد شده در فضای سیاسی کردستان ترکیه و کل ترکیه تاثیرات خود را بگذارد و میخواهد این موقعیت را از آنها بگیرد و آنها را عقب براند. تاکنون نیز یک اقدام سریع ارتش ترکیه وارد شدن به مناطق تحت کنترل نهادهای مردمی در سوریه و ایجاد حکومت نظامی در این

صفحه ۶

گذشت؟

در قسمت دوم به علل جدایی حککا از حکا خواهیم پرداخت. ادامه دارد

از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

بارزانی در ۱۹ آگوست، احزاب حاکم بارها جلسه مشترک برگزار کردند تا بتوانند از بالا بر سر ریاست اقلیم کردستان به توافق برسند، اما مسئله قدرت و دزدی، چپاول و به انقیاد کشیدن جامعه کردستان توسط احزاب حاکم چنان به امر همه اشان تبدیل شده که هیچکدام حاضر به کوتاه آمدن نیستند. به نظر می رسد توافق اخیر هم مدت زیادی دوام نخواهد آورد، چرا که بحران کنونی احزاب حاکم بسیار فراتر از مسئله ریاست اقلیم است. اینها چه به توافق برسند یا نه، چه علیه هم تبلیغات کنند یانه، حاکمیت ۲۴ سال گذشته اینها بویخی ماهیت کثیف و ضد مردمی آنها را به متوهم ترین آدمها را نشان داده است.

پیام مسعود بارزانی به "عالمین اتحادیه اسلامی!"

مسعود بارزانی در ۴۵ مین سالگرد تشکیل اتحادیه عالمین اسلامی کردستان، در پیامی این روز را به آنها تبریک گفت و از آنها خواست که از افکار اسلامی تند روانه جلوگیری کنند. بارزانی در بخشی از پیامش چنین می گوید: "نقش عالمین دینی بسیار حساس است و ما مطمئن هستیم که عالمین دینی در کردستان با روحیه پیشمرکه ها از کردستان دفاع می کنند و وظیفه آنهاست که از افکار تندرو اسلامی جلوگیری کنند". مسعود بارزانی و حزب متوهمش از احزاب اسلامی ناسیونالیستی کردستان هستند که تاریخ مرتجعین اسلامی عجیب شده. تبریک مسعود بارزانی به این نهاد ارتجاعی که کنترل تمام نهادهای مذهبی و مساجد را به عهده دارد و بخصوص در ۲۵ سال گذشته نقش بسزانی را در اشاعه افکار ارتجاعی، ضد زن، ضد کودک و ضد هر آنچه که بوئی از تمدن و پیشرفت داشته جای تعجب هیچ کسی نیست، اما اینجا مسعود از نهادهایی می خواهد از افکار ارتجاعی و تند رو جلوگیری کنند که خود آنها تا مغز استخوان ارتجاعی و تندرو هستند. باید به بارزانی گفت که شما و احزاب ارتجاعی اسلامی

دو روی یک سکه احزاب ناسیونالیستی و اسلامی هستند که برای به انقیاد کشیدن اکثریت جامعه شدت به هم نیاز دارید و پیامتان هم از این سر قابل توضیح است.

جنازه چهار تن از قربانیان پناهندگان اروپا به اقلیم کردستان بازگشت!

روز شنبه ۱۹ سپتامبر جنازه چهار تن از قربانیان تراژدی ۷۰ پناهجویی که در کامیونی در اتریش خفه شدند به اقلیم کردستان بازگشت و قرار است جنازه بقیه افراد هم به زودی بازگشت داده شوند. در این باره دلاور آژگی نماینده حکومت اقلیم در اتحادیه اروپا گفت: "۲۱ نفر از ۷۰ نفری که در کامیونی در اتریش خفه شدند از اقلیم کردستان بودند و بزودی جنازه بقیه هم به کردستان انتقال داده خواهد شد".

تراژدی جانساختن این پناهجویان در هفته آخر آگوست به صدر اخبار دنیا تبدیل شد و مایه تاسف و تأثر میلیونها نفر از مردم دنیا شد. اما لازم است که تاکید شود که احزاب مذهبی و ناسیونالیستی حاکم بر اقلیم کردستان در این تراژدی و غرق شدن و از بین رفتن پناهندگان نقش مستقیمی را دارند، چرا که جامعه ای که اینها اداره می کنند به جهنمی تبدیل شده که طبق آمار خودشان ماهانه سه هزار نفر از جوانان به قصد خلاصی از این وضعیت راه پر مشقت و سخت پناهندگی را در پیش می گیرند که متأسفانه این روزها همه جا بحث از غرق شدن و از بین رفتن پناهندگان و کسانی است که از دست این نوع احزاب و دولتهای ارتجاعی منطقه راهی جز فرار برایشان نمانده.

بزرگداشت یاد شاهرخ زمانی در شهر سلیمانیه!

روز یکشنبه ۲۰ سپتامبر برای محکوم کردن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اسلامی، دفاع از کارگران زندانی و گرامیداشت یاد شاهرخ زمانی کارگر مبارز و کمونیستی که در سیاه چالهای رژیم جانباخت، مراسم باشکوهی در شهر سلیمانیه برگزار شد که در آن بیانیه

کارگران ساختمانی، بیانیه فدراسیون شوراها و سندیکاهای عراق خوانده شد و در هر دو بیانیه ضمن دفاع از کارگران ایران و تاکید برهم سرنوشتی کارگران عراق و ایران، جمهوری اسلامی را مسئول قتل شاهرخ زمانی دانستند. در بخش دیگری از این تجمع بیانیه حزب کمونیست کارگری عراق خوانده شد و همچنین علی زیدونی یکی از کارگران مهاجر از ایرانی طی سخنانی جمهوری اسلامی را بشدت محکوم کرد و او را مسئول قتل شاهرخ زمانی دانست. در طی این برنامه شرکت کنندگان شعارهای همچون شاهرخ معلم ماست، نه به اعدام، مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده شد.

خودکشی یک زن ۷۸ ساله در شهر سلیمانیه!

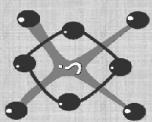
بر اساس گزارشهای منتشر شده، روز شنبه ۱۹ سپتامبر یک زن ۷۸ ساله در محله پاك سیتی شهر سلیمانیه از ساختمانی خود را به پائین پرتاب کرد و جانش را از دست داد. همچنین طبق خبر دیگری در همین روز دختر ۱۲ ساله ای باز هم در شهر سلیمانیه بوسیله گلوله کشته می شود. در این باره سرکوت احمد سخنگوی پلیس سلیمانیه می گوید: "هنوز دلیل خودکشی آن زن و به قتل رسیدن دختر ۱۲ ساله مشخص نیست، اما تحقیقات ادامه دارد".

لازم به ذکر است که قتل، کشتار و خودکشی زنان در سایه احزاب ناسیونالیست و مذهبی حاکم بر اقلیم کردستان چنان به امری عادی و روزمره تبدیل شده که متأسفانه خودکشی این زن ۷۸ ساله و یا به قتل رسیدن دختری ۱۲ ساله در یک روز نه کسی را شوکه می کند و نه قرار است کار جدی را در دستور هیچ نهاد و سازمانی قرار دهد. اما بر خلاف ادعای سخنگوی پلیس سلیمانیه، دلایل قتل و کشتار زنان و خودکشی را همگام می دانند، و آن شرایط به غایت ضد زن، مردسالار و اسلامی است که اقلیم کردستان را به قتلگاهی برای زنان تبدیل کرده و راه حل هم چیزی نیست جز کوتاه کردن، دست تبهکاران اسلامی، مردسالار و ناسیونالیست حاکم بر اقلیم

از صفحه ۵ دولت اردوغان و حزب ...

مناطق بوده است. کارگری ایران همه کارگران و مردم شریف و مترقی در ایران و در سطح جهان را به مقابله با جنایات و سیاستهای دولت اردوغان و حزب اسلامی "عدالت و توسعه" فرا میخواند. ما خود را در کنار همه کارگران و نیروهای مترقی و مردم شریف ترکیه میدانیم که با دولت اردوغان مقابله میکنند. این جریان کثیف و ضد انسانی را باید منزوی نمود. یک صف قدرتمند و فعال از انسانهای مدرن و سکولار و چپ در سطح بین المللی باید علیه دولت اردوغان و حزب اسلامیش یا بگیرد و وارد عمل شود. جنایات این دولت علیه نیروهای اپوزیسیون کرد و همه تشکلهای کارگری و مستقل و حمایتش از "داعش" و دستجات فاشیستی در کردستان سوریه و در عراق و دیگر مناطق را باید افشا کرد و مورد اعتراض قرار داد. دولتهای حامی ترکیه نظیر دولت های آمریکا و آلمان و دیگر نیروهایی که از جنایات اردوغان و ارتش و پلیس ترکیه دفاع میکنند باید وسیعاً افشا شوند. رسانه ها و کسانی که همچنان در مورد معجون مسخره ای بنام "اسلام میانه" نوع ترکیه ای توهم پراکنی میکنند باید منزوی و افشا شوند. به انزوا کشیدن دولت اردوغان و حزب اسلامیش یک گام مهم در پیشروی چپ و رادیکالیسم و آزادیخواهی در کل منطقه است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ سپتامبر ۲۰۱۵



چگونه با
حزب کمونیست کارگری ایران
فعالیت کنم



انتقارات حزب کمونیست کارگری ایران
شماره ۱۰۱۰ - شماره ۳۳۳

کردستان و بر افراشتن پرچم آزادی بی قید و شرط برابری زن و مرد در اقتصادی جامعه. *

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!